

من نیست اما به آن امید دارم که امید من مثل خیلی از امیدهای دیگری که در زندگی داشتیم و ناامید شده ادامه دارد. یک شعر خوبی هست که می گوید:

گر بماندیم باز بر دوزیم
جامه‌ای کز فراق چاک شده
گر بفرستیم عذر ما بپذیر
ای بسا آرزو که خاک شده.

برای همه آدم‌ها بسا آرزوشان که خاک شده اما این دلیل نمی‌شود که آرزو نکنیم و ناامید باشیم. به خصوص که من فکر می‌کنم همین الانش هم به‌رغم همه‌ی ناملایمات، مانسئسته‌ایم و گفت‌وگو می‌کنیم پس خدا را شکر.

این شبیه تفکر پیام دهکردی است که می‌گفت: بعد از بیماری حالا دیگر نان و ماست هم که می‌خورم مزه‌اش برایم خیلی شاهانه است!

من خیلی روزها ناراحت هستم، خیلی روزها غمگین هستم اما زندگی همین است. یک روز آدم شاد است و یک روز غمگین و من این مجموعه را دوست دارم.

این تفکر شما خیلی به سینمای ما کمک می‌کند چرا که در شرایط سختی هستیم و فیلم شما حال ما را خوب کرد. در شرایطی هستیم که سینما در جایگاهی است که کارگردان‌ها ترجیح می‌دهند واقعیت را بگویند و ما به تفکر شیرین و رهای شما در سینما خیلی نیاز داریم.

امیدوارم اینطور باشد.

شما تا چه حد شبیه‌ی نمایش خانگی را دنبال می‌کنید؟ چرا که فکر می‌کنم تمایل داشته باشید در آن حوزه کار کنید.

بعضی از آن‌ها را می‌بینم اما خیلی فرصت نمی‌کنم که پیگیر باشم. قرار است در سال آینده سریالی برای شبکه نمایش خانگی بسازم؛ یک کار طنز که در حال حاضر با ایمان صفایی مشغول نوشتن آن هستیم و محمدرضا تخت‌کشیان هم تهیه‌کننده‌ی آن است.

در سال آینده این سریال را می‌بینیم؟

سال آینده ساخته می‌شود و شاید از نیمه دوم سال پخش هم بشود.

کار همکاران، پیمان قاسم‌خانی، یعنی سریال «خوب، بد، جلف: رادیو اکتیو» را می‌بینید و نظری راجع به آن دارید؟

قسمت اول و دوم را دیده‌ام اما در مورد کار هیچکس هیچوقت نظر نمی‌دهم. *

اساسی‌تر می‌شود. برای مثال یک موقعی است که گوشه ناخنش ریشه کرده و چهار ستون بدنش سالم است اما دائم نگران همان ناخن است. اگر همان لحظه یکی از انگشتانش دچار یک زخم بزرگ شود، دیگر آن قبلی را فراموش می‌کند و تمرکزش به جای دیگری می‌رود.

چقدر پول بریتان در انتخاب اولویت دارد؟

موقعی که به پول احتیاج دارم، برایم مهم‌تر می‌شود. موقعی که کمتر به آن احتیاج دارم، چیزهای دیگر برایم مهم می‌شود. همانطور که گفتم آدم لحظه به لحظه، بسته به شرایط و نیازمندی‌های روح، روان و جسمش تصمیم می‌گیرد و این‌ها تغییر می‌کند.

شما فکر می‌کنید که در فروردین ۱۴۰۰ جهان چقدر جای امنی است؟ یعنی پس از گذراندن این دهه‌ای که برای همه ما پر تنش و در زندگی شخصی متفاوت بود، آیا به قول مهران مدیری فکر می‌کنید که این جهان دیگر به درد نمی‌خورد؟

من خیلی به جهان و به زندگی علاقه دارم. یعنی این‌طور فکر می‌کنم که در تمامی ادوار سختی، ناملایمات و مشکلات بوده اما با مسیری که جهان رفته به‌رغم همه مشکلاتی که هست و خیلی‌ها پیش هم زیاد است من بسیار به زندگی، آینده و زیستن خوش‌بین هستم و خیلی آن را دوست دارم؛ چون ما چیزی غیر از این نداریم.

درواقع امید را مقوله مهمی می‌دانید.

مگر جز این، چیز دیگری هم داریم؟ یک اصلی در حال اثبات است با این مضمون که در اصل امید وجود ندارد. من این موضوع را از چند روانشناس شاخص شنیده‌ام. آن‌ها می‌گویند: خودتان را گول می‌زنید که یک اتفاق خوبی در آینده می‌افتد و آن امید، شما را حرکت می‌دهد.

به نظر من اتفاق خوب در آینده نمی‌افتد و اتفاق خوب همین الان و همین لحظه است، نه اینکه فکر کنم در آینده قرار است چیزی تغییر کند. در آینده هم همین است اما من از همین‌ی که هست خیلی ناراضی نیستم، نه به دلیل اینکه شرایط خیلی ایدئالی دارم یا ندارم، چرا که وقتی شرایط خوب هم نیست می‌گویم این زندگی که هست! چون زندگی را دوست دارم و در مقابل مرگ، زندگی را می‌گذارم و چون کماکان هنوز زنده هستم خوشحالم. امیدوارم اتفاقات بد کم شود، تلاشم را می‌کنم، خیلی چیزها هم دست



موقعی که به پول احتیاج دارم، برایم مهم‌تر می‌شود. موقعی که کمتر به آن احتیاج دارم، چیزهای دیگر برایم مهم می‌شود. همانطور که گفتم آدم لحظه به لحظه، بسته به شرایط و نیازمندی‌های روح، روان و جسمش تصمیم می‌گیرد و این‌ها تغییر می‌کند

و با بازیگرهای پرسر و صدا برای کار داشته باشید که عرصه بین‌المللی‌اش هم خوب باشد و شهرت بین‌المللی برای شما به همراه داشته باشد و در کنار آن یک کار جمع و جور و مستقلی که دوست دارید قرار گرفته باشد، کدام را انتخاب می‌کنید؟

آدم با یک پارامتر تصمیم‌هایش را نمی‌گیرد و هر تصمیمی به عوامل بسیار زیادی بستگی دارد؛ برای مثال اینکه آن موقع کجای زندگی هستیم، آن لحظه چه می‌خواهیم و در آن لحظه چه دارم و چه ندارم، درواقع داشته‌ها و نداشته‌های آن لحظه‌ام که آیا در آن لحظه به پول احتیاج دارم یا به محبوبیت و یا به مطرح شدن نیاز دارم. یعنی در جهان بینی آن موقع چه چیزی برایم مهم‌تر است. آدم در هر لحظه زندگی‌اش یک چیزهایی برایش

